



## مروری بر

### کتاب اخلاق نزد مسلمانان:

### چشم‌اندازهای نوپدید\*

نوشته امین ب. ساجو

یاسر میردامادی\*

در میان جنبه‌های مختلفی که محققان غربی برای شناخت اسلام به پژوهش در باب آنها پرداخته‌اند، اخلاق اسلامی از جای گاه ویژه‌ای برخوردار است. یکی از کتابهایی که اخیراً در این زمینه نوشته شده، کتابی است با عنوان «اخلاق نزد مسلمانان: چشم‌اندازهای نوپدید»<sup>۱</sup> نوشته امین ب. ساجو.<sup>۲</sup> ساجو اکنون استاد دانشگاه سیمون فرایزر در ونکوور کانادا است. او ویراستار کتاب جامعه مدنی در جهان اسلام: چشم‌اندازهای امروزی (۲۰۰۲)<sup>۳</sup> و نیز نویسنده کتاب کثرت‌گرایی کثرت‌گرایی در جوامع قدیم و دولتهای جدید (۱۹۹۴) است. کتاب اخلاق نزد

\* مؤسسه مطالعه تمدنهای مسلمان (ISMC) - لندن.

۱. Muslim Ethics: Emerging Vistas

۲. Amyn B. Sajoo

۳. این کتاب توسط نشر «فرزان روز» به فارسی ترجمه شده است.

مسلمانان: چشم‌اندازهای نوپدید را انتشارات آی. بی. توریس (I.B.Tauris) با همکاری مؤسسه تحقیقات اسماعیلی لندن، در سال ۲۰۰۷ منتشر کرده است. نویسنده معتقد است پرسش مهم «چرا باید اخلاقی عمل کرد؟» پرسشی است که در نظریه‌های اخلاق شناختی مدرن مغفول واقع شده است و این نکته‌ایست که برنارد ویلیامز، فیلسوف اخلاق برجسته بریتانیایی، نیز در کتاب خود، اخلاق و محدودیتهای فلسفه، به آن تصریح کرده است. سؤال از چرایی اخلاقی زیستن در اخلاق‌شناسی مدرن، جای خود را به سؤال از چیستی و چگونگی اخلاقی زیستن داده است. به نظر نویسنده پاسخ به این سؤال مغفول، مستلزم پرسش از مفهوم «خوب» اخلاقی در حوزه خصوصی، عمومی، علمی، اجتماعی - سیاسی، مدرن و سنتی است. نویسنده برای استخراج مفهوم خوب اخلاقی، از شیوه‌های انضمامی و غیرانتزاعی پیروی کرده است و برای نیل به این مقصود، ابتدا دو زمینه زیست‌پزشکی<sup>۱</sup> و زیست‌بوم‌شناسی<sup>۲</sup> را در نظر گرفته و کوشیده است دست‌آوردهای نوپدید اخلاق اسلامی را در این دو زمینه استخراج کند. نویسنده سپس به سراغ مفاهیم مدنیت<sup>۳</sup>، انسان‌گرایی<sup>۴</sup> و حکمرانی<sup>۵</sup> رفته؛ با این توجیه که این مفاهیم پایه‌ای، زادگاه مفاهیم معاصر و مهمی مانند حقوق بشر، حکومت قانون و فرهنگ مدنی‌اند و مفاهیم اخیر، خود با مفهوم خوب اخلاقی ربطی وثیق دارند. برای هرچه انضمامی‌تر بودن کتاب، نویسنده صرفاً به آثار علمی مراجعه نکرده بلکه رمانهای نویسندگان معروف را نیز مد نظر قرار داده است. در این میان، او به نوشته‌های نجیب محفوظ مصری،

۱ . biomedicine

۲ . ecology

۳ . civility

۴ . humanism

۵ . governance

اورهام پاموک ترکیه‌ای، طیب صالح و دیگران اشاره می‌کند. همچنین او در این باب به حوزه سینمای پس از انقلاب ایران نیز در چند جا اشاراتی دارد. نویسنده در فصل اول کتاب با عنوان «جدی گرفتن اخلاق»<sup>۱</sup> به دو رویکرد مختلف در اخلاق اسلامی می‌پردازد. رویکرد اول که او آن را رویکرد اسلام‌گرایانه می‌نامد، بنیان اخلاق اسلامی را اوامر و نواهی فراتاریخی و تغییرناپذیر و به طور کلی، انتزاعی می‌نگرد. در مقابل، رویکرد دوم رویکردی است که اخلاق اسلامی را تجربه زیسته یک امت متکثر و متنوع در طول تاریخی رنگارنگ می‌بیند و می‌کوشد جنبه تاریخی و زمینه‌محور اخلاق را جدی بگیرد.

نویسنده در ادامه، تفاوت‌های اخلاق دینی و اخلاق مدرن را برمی‌شمرد: اخلاق دینی، عموماً با ارجاع به حکایات مذهبی، مناسک، اوامر و نواهی قدسی، و نهادهای مذهبی سامان می‌یابد، در حالی که اخلاق مدرن با ارجاع به اندیشه‌هایی سامان می‌یابد که یا بر وظایف انسانها در اجتماع تأکید دارند (اخلاق وظیفه‌نگر) و یا بر پی‌آمد اعمال انسانها در شکل‌دهی سعادت جامعه (اخلاق پی‌آمدنگر). نویسنده در بررسی رویکردهای مدرن در فلسفه اخلاق، اشاره‌ای به اخلاق فضیلت<sup>۲</sup> که اخیراً مورد توجه پاره‌ای از فیلسوفان اخلاق قرار گرفته است، نمی‌کند. در ادامه نویسنده رویکردهایی را مورد توجه قرار می‌دهد که اخلاق را اساساً رویکردی اجتماعی می‌دانند و با ارجاع به مفهوم «عقلانیت ارتباطی»<sup>۳</sup> در هابرماس، چنین رویکردهایی را تبیین می‌کند. هابرماس معتقد است عقلانیت (نظری و عملی) در «فرایندی ارتباطی» شکل می‌گیرد و در بیرون از چنین فرایندی نمی‌توان موضعی عقلانی اتخاذ کرد.

۱ . taking ethics seriously

۲ . virtue ethics

۳ . communicative rationality

در ادامه، نویسنده دربارهٔ نسبت امر قدسی<sup>۱</sup> با امر دنیوی<sup>۲</sup> در اخلاق اسلامی، به تفصیل بحث کرده است و آن را در حوزهٔ علوم، از جمله پزشکی، پیاده ساخته است. او در ادعای برخی محققان تاریخ علوم اسلامی، از جمله ا. دگل، در تاریخ اسلام آکسفورد، که معتقداند در تاریخ اسلام، علم، شاخه‌ای دارای ارزش مستقل و رها از ارزیابی فقهی بوده است، تردید روا داشته، ابراز می‌دارد که ارزیابی مستقل از مذهب، در باب علوم (قطع نظر از مطلوبیت یا عدم مطلوبیت چنین امری)، صرفاً از عصر روشنگری به بعد میسر گردیده است.

ساجو سپس به بررسی گذرای پاره‌ای از موضوعات مهم در اخلاق معاصر، همچون سقط جنین<sup>۳</sup>، دست‌کاری ژنتیک در انسان<sup>۴</sup>، قتل مشفقانه<sup>۵</sup>، اهدای عضو<sup>۶</sup> و پیوند عضو<sup>۷</sup>، از منظر اسلام سنی، پرداخته است.

نویسنده در ابتدای فصل دوم کتاب با عنوان «مدنیّت و ناخرسندیهای آن»<sup>۸</sup> به توضیح این نکته می‌پردازد که در سنت لیبرالی، به حاکمیت قانون و فرهنگ مدنی بیش از مفاهیم «خیر» و «فضیلت اخلاقی» بها داده می‌شود و به مفاهیمی مانند فضیلت‌های جمعی و خیر عمومی به منزلهٔ مفاهیمی که مستعد ساختن جامعه‌ای استبدادی است، نگرسته می‌شود. بر این اساس، لیبرالها ترجیح می‌دهند از «جامعهٔ مدنی» به جای «جامعهٔ اخلاقاً خوب» و از «ارزشهای دموکراتیک» به جای «ارزشهای اخلاقی» و از «حقوق محوری» به جای «فضیلت محوری» سخن

- 
- ۱ . the sacred
  - ۲ . the secular
  - ۳ . abortion
  - ۴ . Human genetic intervention
  - ۵ . Euthanasia
  - ۶ . Organ donation
  - ۷ . transplant
  - ۸ . Civility and its Discontents

بگویند. مفروض بنیادین لیبرالها این است که آنچه که می‌تواند مبنای استواری برای فرهنگ مدنی مدرن باشد، مدنیتی سکولار و عاری از فضیلت‌های اخلاق فردی است. با این حال، اخیراً پیش‌آمدن مباحث تازه‌ای در حوزه اخلاق مرتبط با رشته‌هایی چون زیست‌پزشکی، زیست‌بوم‌شناسی و علوم اجتماعی، که به پاره‌ای از آنها در انتهای فصل گذشته اشاره شد، این رویکرد لیبرالی را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

ساجو، در ادامه تصریح می‌کند که پیاده‌سازی الگوی لیبرالی در جوامع در حال گذار اسلامی، با سد عمیق و منحصر به فرد دین، ایدئولوژی و تاریخ این جوامع روبه‌روست. ساجو در پاسخ به چرایی این امر، معتقد است که درهم آمیختگی و عدم تفکیک سه مفهوم دین، دنیا و دولت در اسلام و نیز مفهوم امت به منزله اجتماعی متعالی، مانعی برای پاگرفتن منش و خوی سکولار و لیبرال است. با این حال، نویسنده در ادامه بر این نکته پای می‌فشد که طرح این نکته، مسلمانان را از این که مخاطب پاره‌ای پرسش‌های اخلاقی باشند، خصوصاً پرسش‌های ناظر به خشونت سیاسی و چگونگی برخورد با صاحبان فرهنگ‌های مختلف (چه در جوامع اسلامی یا بیرون از آن)، معاف نمی‌دارد. پرسش نویسنده در ادامه کتاب این است: آیا این انگاره اسلامی که در بالا ترسیم شد می‌تواند با تلقی مدرن از سپهر عمومی، که تلقی‌ای سکولار است و از آن تحت عنوان «جامعه مدنی» یاد می‌شود، سازگار گردد؟

برای پاسخ به این سؤال، نویسنده ابتدا خطوط برجسته گفتمان لیبرالی را به نحو خلاصه ارائه می‌کند، خطوط برجسته‌ای که منجر به تمایز نهادن میان هنجارهای مربوط به رفتار و سلوک مدنی با رفتار و سلوک اخلاقی می‌شود و این تمایز مهم‌ترین خصیصه حقوق سکولارِ فردمحور است. در گفتمان لیبرالی معاصر، اجماعی حداقلی در حوزه اخلاق برای رسیدن به اجماعی حداکثری بر

روی قوانین کافی انگاشته می‌شود. نتیجه آنکه، اخلاقی که در جامعه لیبرالی مهم و مرکزی است، اخلاقِ حق<sup>۱</sup> است و نه اخلاقِ خیر<sup>۲</sup>. چارلز تیلور معتقد است که سؤال اصلی در جامعه لیبرالی این است که چگونه می‌توان خصومت در گرفته میان افراد آن جامعه را به معقولانه‌ترین وجه، رفع و رجوع کرد و نتیجه چنین امری این است که جامعه لیبرالی نسبت به این پرسش که زندگی شایسته<sup>۳</sup> کدام است، بی‌طرف و ساکت است. اوج روحیه لیبرالی در کلام ریچارد رورتی نمایانگر است که در فرازی از مقاله معروف خود موسوم به «اولویت دموکراسی بر فلسفه» با دفاع از فرهنگ پسا فلسفی و تکثرطلبی مدنی می‌نویسد: «تلاش مجادله آمیز و انبوه برای کشف هرگونه حقیقت، به تمام وجوه بی‌اعتبار گردیده است، بنابراین، عمل‌گرایی دموکراتیک، طرفدار بی‌طرفی اخلاقی است.» چنین طرز تفکری که در دوران جدید نَسَب به آیزایا برلین و کارل پوپر می‌رساند، خود را در اعلامیه جهانی حقوق بشر نشان داده است.

نویسنده در ادامه، ریشه طرز تفکر لیبرالی در مورد نسبت اخلاق و جامعه را در این می‌بیند که تفکر لیبرالی، نیت<sup>۴</sup> را در اخلاقیات مربوط به حوزه عمومی حذف کرده است. در نظر آنها هر کس با هر نیتی که در حوزه عمومی، حقوق دیگران را رعایت کند، امر مطلوبی انجام داده است. در حالی که به نظر می‌رسد اخلاق با نیت سر و کار دارد.

نویسنده سپس اشاره‌ای به نقدهای جامعه‌گرایان<sup>۵</sup> بر فردگرایی لیبرالی می‌کند. از جمله جامعه‌گرایان معروف، آنتونی گیدنز است. این عده با «سکولاریسم رادیکال» نهفته در طرز تفکر برخاسته از لیبرالیسم موافق نیستند و

- ۱ . ethic of the right
- ۲ . ethic of the good
- ۳ . good life
- ۴ . intention
- ۵ . communitarians

برخی از آنها صراحتاً اعلام کرده‌اند که به دنبال جامعهٔ اخلاقاً خوب<sup>۱</sup> به جای جامعهٔ مدنی<sup>۲</sup> هستند.<sup>(۱)</sup>

بخش سوم از فصل دوم این اثر اختصاص دارد به طرح دلایلی که مسلمانان برای دفاع از رویکرد اخلاق محور خود به فرهنگ مدنی، ارائه کرده‌اند. نویسنده پیش از طرح و بررسی این دلایل، به ترسیم رویکرد کلی ای می‌پردازد که بیرون از ایدئولوژی لیبرال قرار می‌گیرد. نویسنده با ارجاع به آثار جان کین، بر این نکته پای می‌فشرد که تجربهٔ جامعهٔ مدنی لیبرال دموکرات، تجربه‌ای برخاسته از تاریخ خاص مغرب زمین است و تسری آن به فرهنگهای دیگر، به سادگی میسر نیست.

نویسندهٔ اثر، تفاوت تاریخی اسلام با غرب را از قول برنارد لویس این می‌داند که در اسلام، دولت و مسجد جدانشدنی‌اند در حالی که در غرب، دولت و کلیسا از هم جدا شدند، هرچند در تعامل‌اند. سپس به اسلام‌گرایی معاصر در کشورهای مختلف اسلامی، خصوصاً ایران پس از انقلاب، اشاره می‌کند و معتقد است که سیطرهٔ فقه و فقیهان در کشورهای اسلامی، تلاش برای قدسی‌سازی<sup>۳</sup> سپهر عمومی را افزایش داده و در مقابل، تلاش برای دنیوی‌سازی را با مشکل مواجه ساخته است.

نویسنده در فصل سوم کتاب، به مباحث مطرح شده توسط پاره‌ای از صاحب‌نظران غربی در حوزهٔ علوم سیاسی، مانند ساموئل هانتینگتون، می‌پردازد و از قول او در اثر معروفش، برخورد تمدن‌ها، نقل می‌کند که: «مشکل اساسی برای غرب، بنیادگرایی اسلامی نیست، بلکه اسلام، به مثابهٔ تمدنی متفاوت است ... تمدنی که در عقیده و عمل آن، مفهوم عدم خشونت [در برابر دشمنان] غایب

۱ . ethically good society

۲ . civil society

۳ . sacralisation

است». به نظر هانتینگتون، شریعت اسلام و خصوصاً احکامی مانند جهاد در شریعت اسلامی، مانعی برای غرب است. نویسنده در مقام بررسی ادعای هانتینگتون، با طرح مفهوم جهاد دفاعی<sup>۱</sup> و نیز طرح پاره‌ای از آیات دیگر قرآن، که دعوت به مدارا و عدم اجبار در امر دین می‌کند، و با اشاره به پاره‌ای از احکام فقهی دربارهٔ محدودیتهای جنگ دفاعی (مانند آزار نرساندن به زنان و کودکان، آسیب نرساندن به درختان، حسن رفتار با اسیران و غیره)، یک‌جانبه بودن داوری هانتینگتون را نشان داده است.

در فصل چهارم این اثر با عنوان «حاکمیت کثرت‌گرا»<sup>۲</sup> نویسنده با ذکر مثالهای متعدد از کشورهای مختلف اسلامی و غربی، می‌کوشد نشان دهد که به رسمیت شناختن کثرت‌گرایی به منزلهٔ اصلی اخلاقی، صرفاً با وضع قوانین ممکن نیست، بلکه باید پشتوانهٔ اخلاق جمعی را نیز با خود داشته باشد. به نظر نویسنده، شکل‌گیری اخلاق جمعی نیز هنگامی میسر است که در اکثریت جامعه، احساس خیرگزینی و شررگزیزی و حس عدالت‌خواهی وجود داشته باشد، و این حس همان چیزی است که قرآن از آن تعبیر به «تقوا» کرده است، مفهومی که آشکارا بُعد اخلاقی پررنگی دارد. در نهایت، نویسنده معتقد است که اخلاق اسلامی گرچه استعداد پذیرش جامعهٔ مدنی کثرت‌گرا را دارد، با سکولاریسم و لیبرالیسم سازگار نخواهد بود.

۱ . defensive war

۲ . pluralistic governance



## پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی از نقدهای جامعه‌گرایان بر لیبرالیسم، در فارسی می‌توان به این اثر مراجعه کرد: مال‌هال، استیون و دیگران (۱۳۸۵). جامعه‌گرایان و نقد لیبرالیسم: گزیده‌اندیشه‌های سندل، مک‌اینتایر، تیلور، والزر. ترجمه‌جمعی از مترجمان. قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی